

«جغد» در فارسی نو

ویلهم آیلرز

ترجمه‌ی مهنوش ملایری

سازمان میراث فرهنگی

در فارسی نو واژه‌های بسیاری وجود دارد که اطلاع دقیقی از اصل و ریشه‌ی آنها نداریم. یکی از این واژه‌ها «جغد» است. درباره‌ی این کلمه، اصلیت و نیز مفهوم آن ابهام فراوان هست. مقاله‌ی حاضر، نوشته‌ی پروفیسور ویلهم آیلرز، تلاشی است مبتنی بر روش علمی برای روشن ساختن این ابهامات. در ابتدا، واژه به لحاظ آوایی بررسی شده است. آن‌گاه، نخستین معنی کلمه و رابطه‌ی احتمالی آن با معنای امروزش، که نام نوعی پرنده است، مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است.

در میان واژگان فارسی، تاکنون در مورد *ğuyd* که نام پرنده‌ی است و در زبان ادبی «جغد» خوانده می‌شود، توضیحی داده نشده است.^(۱) آواهای بیرونی - *ɣd* - را از اصل ایرانی شرقی می‌دانند، یعنی مرحله‌ی *xt* ایرانی کهن به *ɣd* - تحول می‌یابد، مانند *duɣd* به معنی «دختر، دوشیزه، عروس» *duxta* (اوستایی *duyḏā / duyḏā*). به این ترتیب، می‌توان به یک صورت پیشین ** yuxta-> yuyd* به معنی «وصل کردن» رسید. اما این معنی با نام پرنده‌ی جغد چه رابطه‌ی می‌تواند داشته باشد؟

در واقع، *ğuyd* در معنای «وصل کردن»، نامی است برای نوعی آرایش مو: «مویی را نیز گفته‌اند که بر پس سر گره زنند» (برهان ۱۳۴۴: ذیل «جغد»؛ نوعی موی بافته.^(۲)) در فارسی نو، *yuxt* به *ğuft* تحول یافته است. جالب اینکه *ğuftak* نیز نوعی پرنده‌ی

خیالی است و برای آن، به لحاظ ریشه‌شناسی خرافی - مردمی، توضیح زیر را در برهان قاطع (۱۳۴۴): «ذیل جفتک» می‌یابیم:

نام مرغی است که نر و ماده‌ی آن هرکدام یک بال دارند و به جای بال دیگر، نر را قلابی و ماده را حلقه‌ای است از استخوان، و چون پرواز کنند نر قلاب را بر حلقه ماده اندازد و باهم پرواز کنند و چون به دانه خوردن مشغول گردند، از یکدیگر جدا شوند و نزدیک به هم چرا کنند، و اینها را به عربی، لاینفک خوانند.

متأسفانه از این که کدام پرنده چنین شکلی باور نکردنی داشته است، اطلاعی نداریم. اما لازم است درباره‌ی نام عجیب این پرنده توضیح داده شود، چه در غیر این صورت، احتمال دارد نام جغد نیز به دلیل مبهم بودن، در ردیف این نام‌های ساختگی قرار گیرد. به هر رو، اگر بخواهیم در مورد این واژه و معنی آن، به زمان مزداپرستی بازگردیم؛ «جغد» در فارسی نو به سادگی منشأ قابل فهمی دارد. به طور قطع، $yuxt = \text{guyd}$ در آغاز به معنی «وصل کردن» بوده است، یعنی حذف قسمتی از این واژه را نشان می‌دهد: «به یکدیگر بستن» - اما بستن به چه؟ پاسخ این سؤال را در واژه‌های - āsa/arta باید یافت. پرهیزکاران در یسن ۹،۴۹، با این لفظ خوانده می‌شوند: آنها āšāyuxtā (āšā در حالت بایی) نامیده می‌شوند.

بنابر اعتقاد زرتشتی به āša ، جغد نیز با اِشَه مقدس در ارتباط است: āšā yuxta . این پرنده «پرنده‌ی خدایی» است و از این رو، امروزه «مرغِ حق» خوانده می‌شود. آوای جغد به صورت $\text{hū} - \text{hū}$ است و به همین دلیل، یکی از نام‌های آن hū'gūyak است. این «هو» ی دگرگون ترجمه شده به جای هُو، عربی «او»، یعنی «خدا» و الحَق آمده است. اولریش شاپکا^۱ (۱۹۷۲) برای «جغد» واژه‌های گوناگونی را در کتاب خود با عنوان نام پرنندگان ایرانی فهرست کرده و زیر شماره‌های ۹۴، ۹۷، ۱۰۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۱۶، ۲۳۰ و ۷۰۸ آورده است.

علاوه بر این، جغد به عنوان پرنده‌ی خِزْد و خوف خدا به حساب می‌آید و در دنیای باستان دریای میانی مظهر خدای آتنا/ مینروا است.

همچنین $\text{guyd} > \text{yuxta}$ (āša) به عنوان یک واژه‌ی فرهنگی کهن در کنار

- ašō - zušta، به معنی «محبوب ارته»، قرار می‌گیرد که در نتیجه‌ی آن، اوستا، (وندیداد ۹، ۱۷) نیز جغد را به عنوان حیوانی اهورایی به دوره‌ی بعد منتقل می‌کند.

در ترکی نیز baykuş یا bay'quş، به معنی «پرنده‌ی خدا» (bay > فارسی bay > پارسی باستان - бага)، با نام «مرغِ حق» ادامه‌ی حیات می‌دهد که زیر نفوذ فارسی امروزی، متداول شده است.

بین نام‌های عالمانه‌ی جغد و نام‌های عوامانه‌ی آن، از قبیل شاهین جغد و بوف‌های کوچک تمایزی آشکار وجود دارد؛ این نام‌ها تقلیدی هستند از صدای شبانه‌ی این پرندگان و صدایی که از دهان آنها خارج می‌شود مرجح است:

فارسی kūkām, kūf, būf

عربی būm (a مؤنث)

یونانی koukouβáryta نو

فرانسوی hibou

اسپانیایی buha

ایتالیایی gufa

(و البته noctua هوشیار رومی).

در تمامی موارد، طنین واژه‌ی مبهم *la* هست (لاتینی *ulūla*؛ آلمانی *Eule* > آلمانی باستان *ūwila*).

جغد (و پرندگان مشابه آن) پرنده‌ی خانگی نیست. در خرافات تمام دنیا هنوز هم شخصیت مقدسی برای آن قایل اند. واژه‌ی *striga*، به معنی «ساحره‌ی (پیر)»، در لاتینی - ایتالیایی با واژه‌ی *strix* ὁ σπρίγξ به معنی «جغد» در لاتینی مربوط است. ضرب‌المثلی ایرانی نیز می‌گوید: «بوم شوم است».

پی‌نوشت‌ها

۱. شکل *čuyū* برای «جغد» خطایی سهوی است در املای *čuyd*، که *č* را به جای *č* و *ū* را به جای *d*

به کار برده است.

۲. چرا کنگره‌ی قلعه و حصار نیز *čūyēd* خوانده می‌شود (*BQ*)؟ آیا این نام انتساب نابه‌جایی بوده در رابطه با زندگی کردن این پرنده در خرابه‌ها، یا آنکه در اصل، واژه‌ی بوده است برای بنای قلعه؟

کتابنامه

برهان، محمدحسین بن‌خلف. ۱۳۴۴. برهان قاطع. تهران: علمی.

Schapka, Ulrich. 1972. *Die persischen Vogelnamen* [Würzburger philosophische Disertation].

